

ابوذر

« ابوذر غفاری » (جندب بن جناده) از قبیله غفار و از پیشگامان در اسلام بود.

او را چهارمین یا پنجمین مسلمان تاریخ می دانند.

ابوذر از ساکنین شهر مکه نبود بلکه در اطراف آن شهر می زیست. وقتی خبر ظهور

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را شنید به مکه شتافت و اسلام آورد،

سپس به میان قوم خود بازگشت و حتی در جنگ های بدر و احد و خندق نیز شرکت

نکرد. او پس از جنگ خندق به مدینه هجرت کرد.

پیامبر اسلام در مورد او فرمود: «خداوند ابوذر را مورد رحمت خویش قرار دهد. او

تنها زندگی می کند، تنها می میرد و تنها محشور می شود.»

و نیز درباره صراحت و صداقتش فرمود: «در زیر آسمان آبی و بر روی زمین خاکی

راستگوتر و صریح تر از ابوذر نیست.»

ابوذر پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از طرفداران امیرمومنان

علی علیه السلام شد و از جمله چند نفری بود که از بیعت با ابوبکر خودداری کرد.

می گویند او در فتح بیزانس (روم شرقی) و قبرس در سال ۲۳ قمری شرکت کرده و

جزو سپاهیان مسلمانان بوده است.

در دوره خلافت عثمان و حیف و میل و بذل و بخشش‌های حکومت به بنی امیه، ابوذر به انتقاد و افشاگری علیه حکومت روی آورد. به همین دلیل به شام و سپس به ربه تبعید شد. امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و عمار و عبدالله بن جعفر او را به هنگام تبعید به ربه مشایعت کردند.

ابوذر در سال ۳۱ یا ۳۲ قمری در ربه در حالی که غیر از همسرش کسی در آن بیابان در کنارش نبود وفات یافت و عبدالله بن مسعود که با چند تن از افرادش از آنجا عبور می‌کرد، بر او نماز خواند و او را در همان جا به خاک سپرد.

ابوذر غفاری

در ابتدای سخن و قبل از بیان اهمیت موضوع، اشاره به این نکته ضروریست که علاوه بر مشخص بودن اصحاب نزدیک پیامبر اکرم (ص)، در روایاتی (از منابع سنی) صراحتاً از برخی اصحاب، با عنوان دوستان پیامبر (ص) نام برده شده است.

در ابتدای سخن و قبل از بیان اهمیت موضوع، اشاره به این نکته ضروریست که علاوه بر مشخص بودن اصحاب نزدیک پیامبر اکرم (ص)، در روایاتی (از منابع سنی) صراحتاً از برخی اصحاب، با عنوان دوستان پیامبر (ص) نام برده شده است:

«رفقای رسول خدا(ص) دوازده نفرند؛ ابوبکر، عمر، علی (ع)، حمزه، جعفر، ابوذر،

مقداد، سلمان، خدیجه، ابن مسعود، عمار یاسر، بلال بن رباح.»^۱

همچنین در تأکید بر علو شخصیتی برخی از آنان آمده است که:

« ترمذی ما را حدیث کرد که رسول خدا فرمود: « پروردگار مرا به دوست داشتن

چهار تن امر کرده است... علی (ع) یکی از آنهاست... و ابوذر و مقداد و سلمان را هم ؛

...و خبر داده که خود نیز آنها را دوست دارد.» ۲ جالب توجه است که پس از رحلت

پیامبر اکرم (ص)، از بین این اصحاب، دو نفر از آنان در پی خلافت راهی را بر

می‌گزینند که بقیه مخالف بوده، و از امام علی (ع) حمایت می‌نمایند لذا علاوه بر اینکه

اینان از اصحاب بزرگ پیامبر (ص) بوده و در کنار حضرتش زیسته‌اند پس از ایشان

نیز در کنار امام علی (ع) ماندند و بر عملی شدن خواسته‌های پیامبر (ص) تأکید داشتند

که به عنوان شیعیان اولیه شناخته شده اند همچنین ثبات شخصیتی و معروفیت

دیانت و نقش آنان به حدی بوده که علی رغم دشمنی بنی‌امیه و بنی‌عباس که سالها

حاکمیت را در دست داشتند و از هیچ ترفندی برای خدشه‌دار نمودن چهره آنان

کوتاهی نکردند با چنین وضعیتی، ثبات دینی آنان به حدی قوی بود که ماندگاری و

درخشش شخصیتی آنان حفظ شد، خصوصاً ابوذر که مستقیماً با شخص معاویه و

دستگاه تبلیغاتی او نیز در می‌افتد. پس شناخت چنین شخصیت‌هایی برای فرهنگ و

رفتار اجتماعی مسلمانان، و چگونگی مسلمانی ضروریست مضافاً اینکه شیعه بودن،

درشناخت و الگو پذیری عملی از سر چشمه‌های اولیه امکان پذیر است. اگر در

رابطه با اسلام و اصحاب، استفاده از تمثیل ظرف و مظروف صحیح باشد هر دو

مستقیماً با معمار اصلی اسلام مرتبط بوده، همچنین می‌بایست متوجه این نکته

بسیار حساس بود که بخشی از تحولات غیر قابل تصور صدر اسلام ، نشأت گرفته از درستکاری اصحابی بود که کارکردهای واقعی و مترقی اسلام را به منصهٔ ظهور رساندند. لذا در این قسمت با تکیه بر منابع دست اول شیعی و سنی به معرفی اجمالی، و بررسی برخی از ویژگیهای شخصیتی ابوذر پرداخته خواهد شد.

چگونگی گرایش به اسلام

نامش جُنْدَب بن جُنَادَه، و از قبیله بنی غفار بود. قبل از رسالت پیامبر اکرم (ص)، در دوره جاهلی، ترک بت پرستی نمود «... خدا را پرستش می کرد و می گفت خدایی جز خدای یگانه نیست...» ۳ ابوذر خود گفته است؛ من سه سال پیش از آنکه به حضور رسول خدا (ص) برسم نماز می خواندم. ۴ و در علت بی اعتقادیش به «فلس»، بت قبیله، گفته اند که روزی دید که سگ قبیله، خود را به کنار «فلس» رسانده و بت را آلوده نمود در حالی که بت از خود هیچ واکنشی نشان نداد. به هر صورت وقتی که به ابوذر خبر رسید که مردی در مکه مبعوث شده و می گوید که پیامبر خدای یکتاست روح دردمند و جستجوگرش بی صبرانه بدنبال دستیابی به واقعیت امید می بندد. برادرش اُنیس که خبر از دعوت جدید پیامبر (ص)، را آورده، می گوید او مردی است که راست می گوید در حالی که قریش برایش چهره عبوس کرده اند. بدنبال این خبر ابوذر راهی مکه شده به حضور پیامبر اکرم (ص) مشرف و اسلام را بر می گزیند. ایشان را از پیشگامان غیر قریش، و چهارمین یا پنجمین مسلمانی دانسته اند که به اسلام گروید. ۵

ابوذر صحابی بزرگ پیامبر (ص)

علاقه به حقیقت، صداقت و روشن ضمیری بی نظیر ابوزر غفاری، ایشان را به یکی از اصحاب بزرگ پیامبر اکرم(ص) تبدیل نموده، عنصر لیاقت! روشن ضمیری! خوش طینتی! و ... هر چه بود از ابوزر مسلمانی دگرگونه و متمایز با دیگران می‌سازد. پاکی و تشنگی خاصش به حقیقت جویی، باعث می‌گردد که باران رحمت دیانت اسلام را که توسط پیامبر(ص) بر انسانها عرضه می‌شد با صداقت تمام پذیرا شده، در مقاطع مختلف ایفای نقش کند. ابوزر بعد از اینکه مسلمان شد تا پس از جنگ بدر و احد در میان قوم خویش مقیم بود سپس به مدینه به حضور پیامبر اکرم(ص) رسید حضرت رسول(ص) در برخی از غزوات ایشان را در مدینه جانشین خود می‌نمود از جمله به هنگام غزوه ذات الرقاع و غزوه بنی المصطلق(المریسیع) جانشین حضرتش بود.^۶

در فتح مکه پرچم بنی غفار را داشت. ۷ در جنگ تبوک ابوزر از سپاه اسلام عقب افتاد وقتی که رسید پیامبر اکرم(ص) فرمود: «... آفرین بر ابوزر که تنها راه می‌رود و تنها می‌میرد و تنها برانگیخته می‌شود!... مثل این بود که یکی از عزیزان خانواده‌ام از من بازمانده و نرسیده است.»^۸ همچنین در فضیلتش می‌فرماید: «آسمان بر سر مردی راستگوتر از ابوزر سایه نیفکنده است و زمین راستگوتر از او را برپشت خود نداشته است.»^۹ «ابوزر می‌گفت: روز قیامت مجلس من از همه شما به رسول خدا(ص) نزدیکتر است و این به آن جهت است که از آن حضرت که درود و سلام خدا بر او باد شنیدیم که می‌فرمود: نزدیکترین شما روز قیامت به من کسی است که از دنیا

همانگونه بیرون رود که در زمان رحلت من بوده است و بخدا سوگند هیچ کس از شما نیست مگر آنکه به چیزی از دنیا دست یازیده است جز من.» ۱۰ شخصیت استثنایی ابوذر به حدی می‌رسد که از سوی جبرئیل به پیامبر خدا(ص) ندا می‌رسد که: سوگند به کسی که ترا به حق به پیامبری برانگیخته است او در ملکوت آسمانها از زمین مشهورتر است به پارسایی و پرهیزکاریش در این جهان فانی! براستی که تعمق و تفکر در خصیصه‌های شخصیتی ابوذر، در دنیای خودخواهیها و مکرها، این کلام الهی را به خاطر می‌آورد که به پیامبر(ص) وحی شده: «وَإِنْ قَالَ رَبِّكَ لِلْمَلَأِکَةِ انی جاعلٌ فی الارض خلیفه قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها ویسفک الدماء ونحن نسبح بحمدک ونقدس لک قال انی اعلم ما لا تعلمون» ۱۱ (چون پروردگارت به فرشتگان گفت من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم، گفتند: آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خونها بریزد، و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ گفت: من آن دانم که شما نمی‌دانید.) از خصوصیات دیگر ابوذر فزونی علم و دانش و دیانت بود که امام علی(ع) در موردش فرمود: «... انباشته از علمی شد که از کشیدن آن ناتوان ماند بسیار سختگیر و آزمند بود، سختگیر به از دست دادن دین خود و آزمند نسبت به کسب علم...» چنانچه ابوذر، خود نیز می‌گفت: «پس از ترک محضر رسول خدا(ص) چنان شد که اگر پرنده‌ای در آسمان بال می‌زد، از آن حالت دانشی را به خاطر می‌آوردیم و بهره علمی می‌بردیم» ۱۲ بدین ترتیب شخصیتی آگاه باوفا، الگوی دینداری، ثبات و پایداری، و شخصیتی بی‌نظیر برای جهان اسلام شکل می‌گیرد

چنانچه یکی از شخصیت‌های مهم شیعی چون مالک اشتر «... با ابوزر مصاحبت داشته و از علم او نیز بهره‌مند شده است.» ۱۳ مهتر اینکه منزلت و اعتبار ابوزر نزد پیامبر(ص) بیش از دیگر اصحاب بود چرا که براساس شناختی که از ایشان داشتند تنها وی را لایق می‌داند که وظیفه بسیار خطیر دفاع از حق را برعهده‌اش قرار داده، پیمان گرفت که در راه خدا از سرزنش سرزنش کننده‌ها نهراسد و حق را بگوید هر چند تلخ باشد. ۱۴ ایشان نیز، پس از رحلت نبی اکرم(ص) در عملی کردن این پیمان به خوبی عمل نمود و در حمایت از امام علی(ع) و اصول اسلامی، با تکیه بر آیات قرآن همه سختی‌ها را به جان خرید و در برابر خود خواهان قدرت طلب و بی‌عدالتیها و نابهنجاریهای اجتماعی ایستاد تا آنجا که هیچ ترفندی برای همراه نمودنش کارساز نشد و «نه‌ای» که در برابر معاویه و دستگاه حاکمه او گفت چنان با اصالت، زیبا، انسانی و محکم بود که او را به ربنده کشاند ابوزر رنج آنرا به جان پذیرا شد چرا که «نه» او، از جنس همان «نه‌ای» بود که خداوند متعال به پیامبر اکرم(ص) آموخت «لااله الاالله» لایی که پرچمدارش پیامبر(ص)، و مظهر عدالتش، روح بزرگ و باشکوه امام علی(ع) بود و منادی‌اش ابوزر!...